

مزامور ۶۶، ۲۰  
خدا را سپاس می‌گویم،  
چون او دعای مرا رد نکرد!  
و محبت پایدار خود را از من دریغ نفرمود.



قبل از جلسه ی سالانه جماعت ما و قبل از تصمیم گیری در اجتماع ما ، برخی نگرانی ها ما را در گیر می کند. چگونه می توانیم با وظایف بزرگی که با آنها روبرو هستیم مقابله کنیم؟ چگونه می توانیم به اعضایی که دیگر به کلیسا نمی آیند برسیم؟ چگونه می توانیم انجیل را به کسانی که در اطراف کلیسا هستند اعلام می کنیم؟ مزامور ۶۶ خدا ما را از دلواپسی بیرون می آورد و به ستایش حیرت انگیز خدا سوق می دهد. دلایل بی شماری برای ستایش خدا داریم: ستایش ما معتبر به خلقتمان است. از طریق اراده خدا است که ما وجود داریم . ستایش ما به عیسی تعلق دارد که ما را نجات داد و برای ما بمرد و قیام کرد. ستایش ما به روح القدس می رسد که ما را در تعمید مقدس ، زندگی تازه داده است. و ما را فرزندان خدا ساخت.

ما همچنین از اینکه هر روز زندگی جدیدی به ما عطا می کند ، خدا را ستایش و تشکر می کنیم. ما او را ستایش می کنیم که همه چیزهای خوب را در زندگی ما عطا فرماید. او به بسیاری از ما در بیماری ها ، نیازها و خطرات کمک کرده است. جایی که تقریباً می خواستیم تسلیم شویم ، او به ما شجاعت و قدرت جدیدی بخشید. هر یک از ما می دانیم چگونه خدا ما را به روش خاصی رهبری کرده است و چگونه مهربانی اش را تجربه کردیم ، همانطور که در سرود می خوانیم: "به اندازه ای وضعیست های شریر بی‌شماره بودند که ، خدا بالهای خود را روی تو گسترده کرد و تو را از همه ی آنها نجات داد ."

ما خدا را ستایش می کنیم زیرا مسیح و انجیل را می شناسیم. ما خدا را شکر می گوئیم که با روحش قلبهای ما را روشن کرد تا ایمان بیاوریم. در تاریخ کلیسای ما مشکلات قابل توجهی وجود داشته است . به نظر می رسد که جابجایی به کلیسای لوکاس بسیار دشوار بود. اما خداوند یاران و کمکهای زیادی برای ما ارسال کرد. آنچه که قبلاً بیش از حد غیرممکن به نظر می رسید ، به هدیه ای بزرگ از جانب خدا تبدیل شده بود. و بنابراین ما می توانیم برای مدت طولانی ادامه دهیم و هدایای خدا را که مدیونش هستیم ، لیست کنیم. با این حال ، آیه مزامور توجه ما را به چیز خاصی جلب می کند ، و همچنین باید ستایش خداوند را در قلب و لبان ما جلب کند: "ستایش مخصوص خدائی است که دعای من را رد نمی کند یا محبت خود را از من دور نمی کند." ما می توانیم دعا کنیم. ما می توانیم قلب خدا را جستجو کنیم و با افکار ضعیف و سخنان ضعیف خود به سمت خدا حرکت کنیم. می توانیم بگوئیم پدر ما ، می تواند ما را با وجود هر آنچه را که سنگین است و ما را می ترساند ، در آغوش محکم خود پنهان کند. طبعاً این کار خدا نیست. به همین دلیل است که نویسنده مزامیر حیرت زده است: "ستایش بر خدا باشد که دعای

من را بپذیرد!" او می تواند باشد که خدای متعال گفته شده بود. او میفرماید: اوه، در مورد انسان چه کار کنم؟ من پروردگار جهانیان هستم. من خدمتگزار افراد کوچک، فقیر و گناهکار نیستم. من نمی خواهم در مورد این انسان ها اهمیت ندهم.

اما خدا این طور فکر نمی کند. و برای این دلیل: احساس می کند و حرف می زند. "ستایش خدایی که دعای من را رد نمی کند!" افکار خدا در کل دنیا می چرخد، و در عین حال برای هر یک از ما فضایی در قلبمان وجود دارد. خدا از تو و من دور نمی شود، او به سمت ما روی می آورد. چگونه آن را می دانیم؟ ما عصر جدید را می شناسیم و فیض خدا را دریافت کردیم. بیش از همه می دانیم و اعتقاد داریم که خدای ابدی به انسان تبدیل شده است، و در عیسی مسیح خدا تلاش کرده است. برای بسیاری از انسانها در همان زمان بوده. "پسر انسان نیز نیامد تا خدمت شود، بلکه او آمد تا خدمت کند و جان خود را در راه بسیاری فدا سازد." همان عیسی، نشان دهنده مراقبت از مردم است. او از طریق تصویر چوپان آن را روشن کرد. او يك گوسفند را از دست نداد. و تا زمانی که آن را پیدا نکند تسلیم نمی شود و می تواند آن را به گله های روی شانه های خود برگرداند.

عیسی مسیح بر روی صلیب گناهان جهانیان را بُرد، اما در همین زمان که او روی صلیب رنج برد نیز در مورد چنابتکار در سمت راست خود فکر کرد. عیسی درخواست این مرد را رد نکرد، و این مرد یک تروریست بود. "ای عیسی، وقتی به سلطنت خود رسیدی مرا به یاد داشته باش." عیسی جواب داد: «خاطر جمع باش، امروز با من در فردوس خواهی بود.»

وقتی دعا می کنیم، به نام عیسی به درگاه خدا دعا می کنیم. سپس می توانیم کاملاً مطمئن باشیم: ما با نیازهای کوچک خود ضعیف هستیم که نام آنها برای عموم مردم شناخته نشده است - اما ما به خدا شناخته شده ایم! ما برای پروردگار بزرگ جهان خیلی کوچک نیستیم و آنچه در پیش روی او قرار می دهیم بی اهمیت نیست. او منتظر دعا و نیایش ما است و می خواهد دعای ما را بشنود. این امر در مورد مسیحیان منفرد و همچنین در مورد اجتماع و کلیسای ما صدق می کند: بعد از هر دعایی که به نام عیسی گفته می شود، می توانیم بگوییم: "ستایش بر خداست که دعای من را رد نمی کند!" خدا لطف خود از من دور نمی کند! نتیجه گیری در آخر مزامیر است. وقتی دعا می کنیم، فقط خواسته ها و ایده های ما نیستند. بله خدا ما را می شنود ما معتقدیم که جواب خدا عمدتاً برای ما آشکار نیست. پولس رسولان سه بار با جدیت از خدا دعا کرد تا رنج شدیدی را از او بگیرد که او را ضعیف و ناتوان از خدمت می دانست. و این جواب را گرفت: بگذار لطف من برای شما کافی باشد. خداوند وزن بیش از حد بر دوش ما نمی گذارد. بعضی از زخمها باز هستند و برخی از زخمها تا زمان مردن ما از بین نمی روند. اما ما این موضوع را تحت هر بار و با هر اندوه و درد می دانیم: خداوند مهربانی خود را از ما دور نمی کند. قلب او با ما مهربان است. چهره ی بخشنده او بر ما می درخشد. چگونه آن را می دانیم؟ دوباره با توجه به عیسی مسیح. پروردگار و نجات دهنده ی ما از عمیقاً از عمق ها عبور کرده و پیروز شده است. به همین دلیل است که ما می دانیم و اعتقاد داریم: ما هرگز گم نمی شویم، هرگز تنها نیستیم. این امر در مورد ما به عنوان فردی مسیحی و همچنین کلیسا و اجتماع ما صدق می کند. خدا نیکی های خود را از ما دور نمی کند. در نام عیسی مسیح، آمین.